

تنها چند تور خاص از این خانه باز دید می کنند



خانه‌ی هدایت سال هاست که مورد بی‌مهری سازمان میراث فرهنگی و متولیان بیمارستان امیر اعلم قرار گرفته است. حالا چند صباحی است که عکس‌های منتشر شده تلی از ماسه، چند قطعه موزابیک و چند لوله مشکی‌قطر را تکیه داده بر سینه‌ی دیوارهای خانه‌ی قاجاری هدایت نشان می‌دهد. همان دیوارهایی که کاشی‌های هفت رنگش تنها ردی است که تلخی سرنوشت این خانه را بین رنگ‌های خود پنهان می‌کند. آیا باز هم قرار است در این خانه ثبت ملی شده دخل و تصرفی بنام مرمت انجام شود؟ کدام مرمت و بر اساس کدام طرح و به تأیید کدام مقام مسوول؟

علی شاری روابط عمومی بیمارستان امیر اعلم در پاسخ می‌گوید: «مشکل فاضلاب بوده و چند لوله کار گذاشته شده، همین بنا بر این نیازی به استعلام نبوده است.» از این رو است که هر چند وجیهه قاسمی مدیر روابط عمومی میراث فرهنگی استان تهران از روانه ساختن یگان حفاظت به محل خبر می‌دهد اما سپیده سبیروس نیا معاون میراث فرهنگی استان تهران تأکید می‌کند که نه طرح مرمتی برای این اداره کل ارسال شده و نه استعلامی گرفته شده است!

افزون بر موضوع بی‌توجهی‌های متولیان بیمارستان اعلم و مسوولان میراث فرهنگی به وضعیت خانه، باید ممتنعیت باز دید عموم مردم در طول سالیان متمادی از این مکان فرهنگی را هم به فهرست بی‌مهری‌ها اضافه کرد.

این در حالی است که برخی تورهای خاص توانسته‌اند نظر مساعد مسوولان بیمارستان را جلب کنند و باقی فرهنگ دوستان همچنان در حسرت دیدار خانه باقی مانده‌اند.

در این بین جهانگیر هدایت ضمن گلایه شدید از بی‌توجهی مسوولان میراث فرهنگی، بر گزاری تور و باز دید از این خانه را مهمترین واقعه‌ای می‌داند که در ۳۰ سال گذشته برای حفظ ارزش‌های خانه رخ داده است.

گزارش میدانی از وضعیت فعلی خانه صادق هدایت

# حیات خلوت بیمارستان امیر اعلم

مینا مهری  
گزارش

## اول

در اواخر دوره قاجار، هدایت‌قلی خان اعتضادالملک تصمیم می‌گیرد در ملکی متعلق به میرزا احمدخان مشیرالسلطنه، نخست‌وزیر ایران در دوران مشروطه، خانه‌ای بسازد. شش فرزند هدایت‌قلی خان در این خانه رشد کردند و بزرگ شدند؛ در همین خانه فعلی سوت‌و‌گور که در خیابان شهید سروش‌الدین تقوی (هدایت سابق) واقع است.

## دوم

برادرها و خواهرها هر کدام به بلوغ رسیدند، از دواج کردند و سراغ خانه و زندگی خودشان رفتند. صادق تنها فرزند خانه بود که نه از دواج کرد و نه ترک خانه پدری. ۳۰ سال بعد از روزی که هدایت‌ها، قبل از سفر صادق به اروپا، خانه را فروختند، یعنی یکی از روزهای سال ۱۳۲۳ تا سال ۱۳۵۳، خانه مالک شخصی داشت و سرنوشتی نامعلوم. در سال ۵۳، فرح پهلوی تصمیم می‌گیرد خانه را خریداری کرده و به موزه هدایت تبدیل کند. از طرف دفتر فرح نامهای فرستاده می‌شود مبنی بر اینکه وراثت یعنی خواهرها، برادرها یا هر کسی که از هدایت اثر یا وسیله‌ای در اختیار دارد، آن اثر را در اختیار موزه بگذارد. راضی کردن وراثت، مالکان و هر کسی که نشانی از هدایت در اختیار دارد، نزدیک به چهار سال طول می‌کشد ولی در سال ۵۷ و با وقوع انقلاب اسلامی بار دیگر مهر نامحتومی بر سرنوشت موزه هدایت می‌خورد.

## سوم

«خیابان سعدی، خیابان شهید سروش‌الدین تقوی (هدایت سابق)، کهنه‌ک اسبق و کوشک دهرین) پلاک سه (۱۱ سابق)، مابین خانه سفیر کبیر دنامارک و بیمارستان امیراعلم» این نشانی خانه صادق هدایت است. خانه‌ای که بیش از نیم قرن پیش به واسطه صاحبخانه معروفش مورد توجه بوده است، این روزها آنچنان غریب و گمنام در این خیابان آرام گرفته که برای یافتنش چاره‌ای نیست جز یافتن نشانی بیمارستان امیراعلم یا خانه جناب سفیر. حتی بسیاری از ساکنان خیابان سعدی و تقوی نیز این خانه را نمی‌شناسند. اینجا خانه سفیر دنامارک معروف‌تر از خانه صادق هدایت است.

## چهارم

نه اهالی و صاحبان مغازه‌های پرتعداد خیابان تقوی، نه رهگذرها و نه سوارانی که به فکر عبور از این خیابان یک طرفه‌اند، حواس‌شان نیست که روزی یکی از بزرگ‌ترین روشنفکران و نویسندگان ایران کلاه بر سر می‌گذاشته و احتمالاً مانند تصویر به جا مانده‌اش، کتش

## شهرنامه

شهرنامه در هر شماره پیرامون یکی از رخدادهای معماری و میراث فرهنگی گزارش می‌دهد



خانه نویسنده به روایت عکاس باشی